

مراحل حل مسئله

کلیدواژه‌ها: حل مسئله، رشد حرفه‌ای، مشاوره تحصیلی، فرایند حل مسئله، روشیابی.

اشاره

همان طور که می‌دانیم، یکی از مهارت‌های اساسی زندگی در قرن ۲۱، مهارت حل مسئله است. در این مقاله، این مهارت به گونه‌ای معرفی شده است که معلمان با استفاده از آن، دانش‌آموزانشان را برای حل مسئله هدایت و راهنمایی کنند.

با توجه به ضرورت یادگیری مهارت‌های قرن ۲۱، یعنی مهارت‌هایی که دانش‌آموزان برای موفق شدن در مدرسه و بعد از آن باید کسب کنند، اهمیت تدریس حل مسئله امری بدیهی است و نیازی به اثبات ندارد. طی ده‌ها سال، به اتفاق همکارانم، الگوهایی را برای تدریس به دانش‌آموزان تدوین کرده‌ایم که به آنان یاد می‌دهد چگونه به حل مسئله اقدام کنند. مراحل هفت‌گانه زیر، می‌تواند برای هدایت و راهنمایی دانش‌آموزان در فرایند حل مسئله به معلمان کمک کند.

است، با این حال می‌تواند بر توانایی دانش‌آموز برای حل مشکل اثر زیادی بگذارد. معلمان می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند خودگویی‌های مثبت را جایگزین خودگویی‌های منفی کنند. دانش‌آموزان می‌توانند باورهای مفید را جایگزین باورهای منفی کنند، مانند: «روش‌های زیادی برای حل این مشکل وجود دارد»؛ «به موقع می‌توانم از دیگران برای حل مشکل کمک بگیرم»؛ «می‌توانم این مشکل را حل کنم، به شرطی که روی آن فکر کنم».

۳

مرحله

موانع و راه‌حل‌ها را

به‌طور روشن توضیح دهید

این مرحله به دانش‌آموزان کمک می‌کند به‌طور روشن و شفاف آنچه را که برای رفع مانع نیاز دارند، توضیح دهند. برای مثال، مشکل عمده دانش‌آموزان این است که پیه گرفتن دیپلم را به تنشان نمی‌مانند و نمره‌های پایینی کسب می‌کنند. بعد از روشن شدن مانع، زمان آن می‌رسد که دانش‌آموزان برای حل آن بکوشند و راه‌حل پیدا کنند. برای مثال، دانش‌آموزان باید دربارهٔ پایین بودن نمره‌هایشان فکر کنند و راه‌حل‌هایشان را با معلم در میان بگذارند تا

۱

مرحله

مشکلی را تعیین

و ارزشمندی حل آن را معلوم کنید

هنگامی که دانش‌آموزان برای رسیدن به یک هدف با مانع مواجه می‌شوند، لازم است از خودشان بپرسند آیا رسیدن به آن هدف برایشان اهمیت دارد؟ در این شرایط، بعضی از دانش‌آموزان احساس می‌کنند به تمرین نیاز دارند و باید سریع از آن موقعیت دور شوند تا دلسرد نشوند. این امر خود یک مشکل تلقی می‌شود، اما اهمیت زیادی ندارد و دانش‌آموزان معمولاً دوست دارند آن را نادیده بگیرند. مرحله تعیین مشکل، دانش‌آموزان را از این واقعیت آگاه می‌کند که همهٔ مشکلات ارزشمند نیستند و ضرورت ندارد انرژی و وقت خودشان را برای حل آن‌ها صرف کنند.

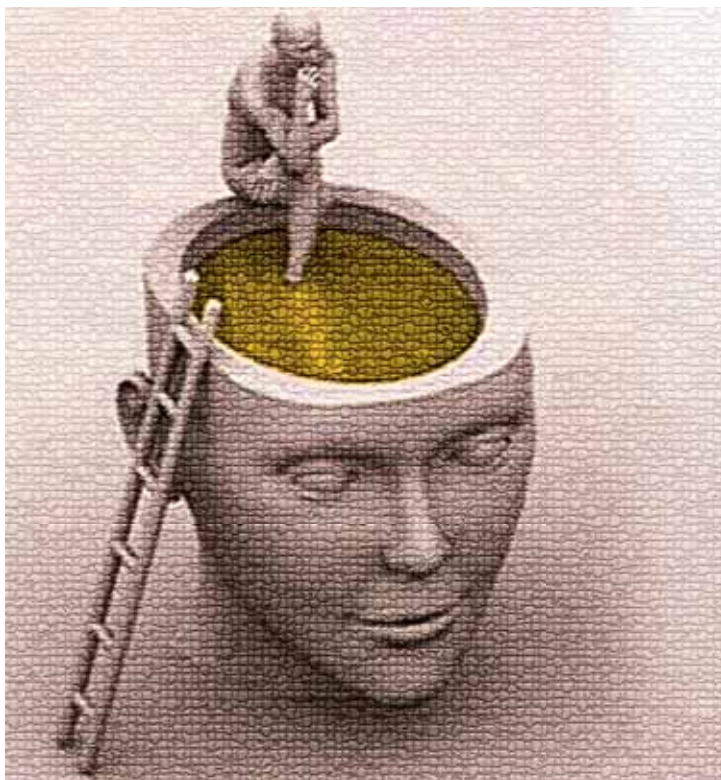
۲

مرحله

باورهای مثبت را برای دفاع از

توانایی‌ها به منظور حل مشکل تأیید کنید

این مرحله بر خودگویی‌های منفی که معمولاً دانش‌آموزان در مواجهه با مشکل دچار آن می‌شوند تأکید می‌کند. اگرچه این نوع از خودگویی طبیعی



**معلمان می توانند
به دانش آموزان
کمک کنند تا
خودگویی های
مثبت را جایگزین
خودگویی های
منفی کنند**

درسی او نامطلوب یا ناقص تهیه شده‌اند. بنابراین، ضرورت دارد یادداشت‌هایش را تغییر دهد یا کامل کند. به این منظور، او باید روش یادداشت‌برداری را یاد بگیرد. لذا می‌تواند در طول هفته، با گفت‌وگو با معلمش، یادداشت‌برداری را یاد بگیرد و زیر نظر معلم یادداشت‌هایش را کامل کند.

مرحله ۷

**اگر نمی‌توانید راه‌حلی
برای مشکل پیدا کنید،**

هدف دیگری را مورد توجه قرار دهید

در این مرحله، درباره مفهوم ارزیابی مجدد بحث می‌شود. راهبردی که مشکل‌گشایان هنگامی که نمی‌توانند راه‌حل مسئله‌ای را که مانع آن‌ها شده است پیدا کنند، از آن به‌طور مؤثر استفاده می‌کنند. ارزیابی مجدد، راهبردی است که به‌طور شفاف هدف دیگری را در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد که می‌تواند به آن دست یابد. برای مثال، اگر دانش‌آموزی متوجه شود که نمی‌تواند به رتبه الف دست یابد، دستیابی به رتبه ب را مدنظر قرار می‌دهد، یا اگر نمی‌تواند در این ترم رتبه خوبی کسب کند، برنامه‌ریزی می‌کند که در ترم بعدی به رتبه خوبی دست یابد.

*منبع
Marzano, Robert J. (2014). Art and Science of Teaching/ Problem Solving in Seven Steps. Educational Leadership 71, 84-85. Retrieved May 14, 2014, From: <http://www.ascd.org/publications/educational-Leadership/May14/Vol71/May14>.

با هم‌فکری، راهی برای حل مشکل انتخاب و به آن عمل شود.

مرحله ۴

**احتمال موفقیت هر راه‌حل
و منابع مورد نیاز آن‌ها را تعیین کنید**

راه‌حل مناسب، به‌خوبی و روشنی روش رفع مانع را نشان می‌دهد، اما این جمله به این معنا نیست که می‌توان به آسانی مانع را رفع کرد. برای مثال، دانش‌آموزی که در خطر شکست تحصیلی قرار دارد، لازم است عادات تحصیلی خود را تغییر دهد، اما او نمی‌داند که کدام عادات را و چگونه تغییر دهد. یک راه‌حل این است که دانش‌آموز به معلمش مراجعه کند و معلم با اجرای روش بارش مغزی به او کمک کند تا راه‌حل‌های بهبود تحصیلی‌اش را کشف کند.

مرحله ۵

راه‌حل انتخابی را آزمایش کنید

هر راه‌حلی باید شانس موفقیت (رفع مشکل) را به همراه داشته باشد، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که هر راه‌حلی ترس خطر کردن را نیز در پی دارد. اگر شانس موفقیت راه‌حل زیاد نیست، نباید آن را انتخاب کرد، زیرا در صورت شکست، وضعیت دانش‌آموز بدتر خواهد شد. در نتیجه، راه‌حلی مناسب است که ابتدا با معلم به بحث گذاشته شود تا راهبردهایی که بیشترین شانس را برای موفقیت دارند، انتخاب شوند. برای مثال، در طول هفته یا یک روز در هفته، به‌طور ویژه با معلمش کار کند و به رفع اشکالات درسی‌اش بپردازد یا اینکه قبل از هر امتحان، مطالب درسی را به‌خوبی مرور کند.

مرحله ۶

**اگر مشکل حل نشد،
راه دیگری را آزمایش کنید**

این مرحله دانش‌آموز را هدایت می‌کند تا به‌طور پیوسته بر نحوه عملکردش بر پایه راه‌حل آزمایشی نظارت کند تا در صورت مشاهده بی‌تأثیر بودن آن؛ راه‌حل دیگری را برای رفع مشکل انتخاب کند. مثلاً دانش‌آموزی که راه‌حل را مرور یادداشت‌های درسی قبل از اجرای آزمون دانسته است، اما با انجام این کار، باز هم در آزمون نمره خوبی نمی‌گیرد، احتمال دارد در بررسی راه‌حل متوجه شود یادداشت‌های